

## جاویدان خرد و خردنامه

احمد تفضلی\*

به یاد شادروان علامه دکتر عباس زریاب که خود خرد جاویدان بود.

مجموعه‌ای از اندرزهای پهلوی در کتابی به نام جاویدان خرد گرد آمده بود که امروز در دست نیست. ابن مسکویه<sup>۱</sup> (متوفی ۴۲۱) در این باره می‌نویسد که در روزگار جوانی نام آن را در کتابی از جاحظ (۱۵۰-۲۵۵) موسوم به استطاله الفهم دیده و همواره در پی به دست آوردن آن بوده است تا سرانجام آن را در فارس در نزد موبدان<sup>\*</sup> موبد یافته است. به قول وی آن کتاب «وصیت هوشنج» به پرسش و پادشاهان بعدی را در برداشته است. ابن مسکویه ترجمة عربی آن را در آغاز کتاب خود که آن را از روی کتاب مذکور، جاویدان خرد نامیده، نقل کرده ولی احتمالاً آنچه وی در نزد موبدان<sup>\*</sup> موبد فارس دیده، متن پهلوی آن بوده است. پس از نقل «وصیت هوشنج» همین نویسنده سرگذشت افسانه آمیز کشف اصل پهلوی کتاب را به روایت از جاحظ و او به نقل از واقعی در همان کتاب نامبرده

\* دکتر احمد تفضلی استاد دانشگاه تهران.

۱. مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد (الحكمة الخالدة)، چاپ عبدالرحمون بدوى، قاهره ۱۹۵۲، ص. ۵۰.

آورده است<sup>۱</sup> عین همین مطلب را، باز هم به روایت واقدی، طرطوشی<sup>۲</sup> (متوفی ۵۲۰) نقل کرده است. بنابراین روایت، مردی به نام ذوبان<sup>۳</sup> از حکماء کابل که از وجود این کتاب در میان خزانه ایوان مدائی مطلع بوده از مأمون (۱۹۸-۲۱۸) خواسته است که آن را بدو ببخشد. به دستور خلیفه و به راهنمایی ذوبان آن را که صد برگ داشته و در جعبه‌ای زیر خاک مدفون بوده است، بیرون آوردند. ذوبان آن را مجموعه‌ای از حکمت باستان وصف می‌کند که «گنجور وزیر شاه ایرانشهر»<sup>۴</sup> از حکمت باستان<sup>۵</sup> گرد آورده بود.<sup>۶</sup> به خواهش حسن بن سهل برادر فضل بن سهل ذو الریاستین، خضرین علی مترجم آثار پهلوی به عربی سی برگ آن را به عربی ترجمه کرد و ظاهراً همین

۱. همان، ص ۱۸-۲۲.

۲. طرطوشی، محمدبن الولید، سراج الملوك، قاهره، ۱۳۵۴/۱۹۳۵، ص ۳۶۰ - ۳۶۱.

۳. به نظر می‌رسد این نام که ظاهراً ایرانی است، تصحیف شده باشد.

۴. در متن عربی چاپ بدوى، ص ۲۰: «گنجور وزیر ملک ایرانشهر»، و به همین صورت در طرطوشی، ص ۳۶۱ در عنوان نسخه‌ای که عبدالعزیز المیعنی الراجلوتوی الهندي منتشر کرده و محمد کردعلی نیز در رسائل البلغا، قاهره ۱۳۷۴/۱۹۵۴، ص ۴۶۹ تا ۴۸۲، آن را نقل کرده، «گنجور وزیر ملک ایرانشهر» آمده است. نیز نگاه کنید به: محمد محمدی، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، تهران ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۸. در کتاب بیان الشرع، تألیف محمدبن ابراهیم الکندی، چاپ احمدبن حمدالخلیلی، عمان ۱۹۸۴/۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۵۶، این نام به صورت «حاواریدان خرد [گنجور] بن اسفندیار [وزیر] ملک ایران شهر» است.

۵. در متن عربی جاویدان خرد، چاپ بدوى، ص ۲۰، من الحکمة القديمه. در جای دیگر «حکمت قدیمه» آمده است (مسکویه، احمدبن محمد، جاویدان خرد، ترجمه شرف الدین عثمان محمد قزوینی، چاپ محمد تقی داشت پژوه، تهران ۱۳۵۹ ش، ص ۲۱). در عنوان نسخه‌ای که کردعلی چاپ کرده است عبارت: «نقله من اللسان القديم الى اللسان الفارسي» آمده است (همان، ص ۴۶۹). اما در بعضی نسخه‌های عربی به جای آن «من اللسان الفهلوی» ذکر شده است. نگاه کنید به: چاپ، جاویدان خرد، سید محمد کاظم امام، تهران [۱۳۵۰ ش]، ص ۳۷. منظور از فارسی، فارسی میانه یا پهلوی است.

۶. در متن عربی جاویدان خرد، چاپ بدوى، ص ۲۰ و همچنین در چاپ کرد علی، ص ۴۷۹، کلمه «آخرجه» و در روایت طرطوشی، ص ۳۶۱، کلمه «تألیف» به کار رفته است. در ترجمه فارسی قزوینی، ص ۲۱، فعل «بیرون آورده» و در ترجمه محمدحسین بن حاجی شمس الدین درویش فانی از جاویدان خرد، بمبنی ۱۲۹۴، ص ۲۲، «استخراج کرده» آمده است.

ترجمه را جاخط در کتاب نامبرده خود نقل کرده بوده است و از اینروست که ارجانی شوشتاری<sup>۱</sup> در ترجمه فارسی خود جاخط را «جامع جاویدان خرد» دانسته است. چنین می‌نماید که ابن‌مسکویه همین ترجمه وصیت هوشنگ را در کتاب خود آورده است، زیرا در پایان آن، سرگذشت کتاب را آورده و به دنبال آن نصایح دیگری را از حکما و شاهان ایران مانند آذرباد<sup>۲</sup> ص ۲۶، ۶۷، بزرگمهر (ص ۲۹، ۳۷، ۴۱، ۴۵)، قباد (ص ۴۱)، انشروان (ص ۴۹)، هرمز (ص ۶۶)، بهمن (ص ۶۱)، جمشید (ص ۶۵)، یا به طور کلی از «قدماء فرس» (ص ۶۴) یا «وصیة للفرس» (ص ۷۴) یا حکیمی ایرانی (ص ۶۷ و ۸۷)، از منابع دیگر، ذکر کرده است که منبع اصلی بعضی از آنها به پهلوی در دست است مانند اندرزهای آذرباد<sup>۳</sup>، اندرز بزرگمهر.<sup>۴</sup> پندهای ذکر شده در پندنامه یا وصایای هوشنگ از نوع پندهای تجربی و عملی است و نه از نوع پندهای دینی.

ترجمه عربی جاویدان خرد را نویسنده‌گان کتب ادب و اخلاق بخوبی می‌شناخته و از آن نقل قول کرده‌اند. راغب اصفهانی (متوفی میان ۳۹۶ تا ۴۰۱) از این کتاب با عنوان کتاب جاویدان یاد کرده و مطالبی را از آن آورده است.<sup>۵</sup> عامری (متوفی ۳۸۱)<sup>۶</sup> آن را از بهترین کتابهای ایرانیان به شمار آورده و از آن چند جمله‌ای را نقل کرده است.<sup>۷</sup> طرطوشی<sup>۸</sup> نیز دو عبارت از آن را،

۱. مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد، ترجمه تقی‌الدین محمد ارجانی شوشتاری، چاپ بهروز ثروتیان، تهران ۱۳۵۵ ش، ص ۳۴.

۲. همان آذرباد مهر سپیدان است. در این باره نگاه کنید به: دانشنامه ایران و اسلام، «آذرباد مهر شپیدان» (نوشته احمد تقاضی)، تهران ۱۳۵۴ ش، ج ۱، ص ۴۷-۴۸.

۳. جاویدان خرد، چاپ بدیعی، ص ۲۶ و ۲۸ تا ۲۹. ۴. همان، ص ۲۹ تا ۳۶.

۵. محاضرات‌الادباء و مجاورات‌الشعراء‌البلغاء، بیروت ۱۹۶۱، ج ۲ و ۴، ص ۷۰۰ و نیز ترجمه فارسی آن با عنوان نوادر، ترجمه محمد صالح فزوینی، چاپ احمد مجاهد، تهران ۱۳۷۱ ش، ص ۴۲۳، این مطالب برابر است با آنچه در جاویدان خرد، چاپ بدیان، ص ۹ سطر ۱۲ تا ۱۸ آمده است.

۶. عامری، محمدين یوسف، السعادة والاسعاد، چاپ مجتبی مبنی، تهران ۱۳۳۶ ش، ص ۳۲۰.

۷. همان، ص ۲۹۶ (که برابر است با جاویدان خرد، چاپ بدیان، ص ۹، سطر ۸)، ص ۳۲۱ (قیاس ۴۲۲) و (برابر با جاویدان خرد، ص ۹، س ۴) چاپ بدیعی.

۸. طرطوشی، ص ۳۵۸. این عبارات همان عبارات منتقل در السعادة والاسعاد است و برابر است با آنچه در جاویدان خرد، چاپ بدیعی، ص ۹ س ۴ و س ۸ آمده است.

یکی به نقل از حسن بن سهل و دیگری را به نقل از خضرین علی آورده و نوشه است که جاویدان خرد از نظر ایرانیان از کتب گرانقدر است از قول کندی<sup>۱</sup> همه رساله جاویدان خرد در کتاب بیان الشرع نقل شده است. بخشهایی از ترجمه عربی خضرین علی منقول در استطالة الفهم جاحظ یا منقول در جاویدان خرد ابن مسکویه را مؤلف ناشناخته خرد نامه (احتمالاً تألیف شده در قرن پنجم)،<sup>۲</sup> زیر عنوان «نکته‌های کتاب جاویدان خرد» به فارسی برگردانیده است.<sup>۳</sup> این ترجمه، قدیمترین ترجمه فارسی از پندنامه هوشنگ یا جاویدان خرد است. برای نمونه چند جمله از این ترجمه فارسی را که اقدم بر ترجمه قزوینی<sup>۴</sup> و ارجانی<sup>۵</sup> و درویش فانی<sup>۶</sup> است با معادل عربی آنها<sup>۷</sup> برای مقایسه می‌آوریم. این ترجمه به مراتب دقیقتر و به متن عربی نزدیکتر و در مقایسه با ترجمه‌های دیگر فارسی که دارای حشو و زواید است، فضیحتر است. این چند جمله شباهت آنها را با اندرزهای بازمانده از زیان پهلوی بخوبی نشان می‌دهد.

### مرکز تحقیقات فرهنگ و علوم اسلامی

«هر که آغاز نعمت‌ها بشناسد سپاس داری کند»

(من عرف الابتداء شکر).

«او هر که عاقبت بشناسد کار به اخلاص کند»

(من عرف الانتهاء أخلص).

۱. کندی، ج ۵، ص ۱۵۶ - ۱۶۵.

۲. درباره خرد نامه نگاه کنید به: مجتبی میتوی، «از خزانه ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ۴، ش ۱۳۳۵، ص ۵۸ - ۷۰. متن خرد نامه در تهران ۱۳۶۷ ش، چاپ منصور ثروت، منتشر شده است. این در مجموعه‌ای آمده است که در سال ۵۷۴ کتابت شده است. به تشخیص میتوی، ص ۵۸، «غالب فقرات و فصول آن تعلق به قرن چهارم یا پنجم هجری دارد». ۳. خرد نامه، ص ۷۸ تا ۸۰.

۴. تألیف شده میان ۶۲۵ - ۶۵۸، نگاه کنید به: جاویدان خرد، ترجمه محمد قزوینی، ص ۳ به بعد. ۵. جاویدان خرد، ترجمه شوشتاری، ص ۷ به بعد. ۶. همان، ص ۲۵ به بعد. ۷. جاویدان خرد، چاپ بدروی، ص ۶ به بعد.

«و هر که بداند که توفیق از کرامت خدای است - جل و عز- با خصوع اشد» (و من عرف التوفیق خضع).

«و بداند که بهترین عطاء ایزد تعالی هر بنده را حکمت است»  
(فَأَنْ أَفْضَلُ مَا أَعْطَى الْعَبْدُ فِي الدُّنْيَا الْحِكْمَةُ).

«و بهترین عطا، مردم را از خویشتن، پند پذیرفتن و انصاف دادن است»  
(و أَفْضَلُ مَا أَعْطَى فِي نَفْسِهِ الْمَوْعِظَةُ).

«و بهترین چیزی که بنده از خدای تعالی بخواهد عافیت است»  
(و أَفْضَلُ مَا سَأَلَ الْعَبْدُ الْعَافِيَةُ).

«و بهترین چیزی که بنده بر زبان براند، گواهی دادن است به وحدانیت عز و جل» (و أَفْضَلُ مَا قَالَ كَلْمَةُ التَّوْحِيدِ).

«و پاکی دل نگاه داشتن است از حسد»  
(و سَلَامَةُ الصَّدْرِ بِامانَةِ الْحَسْدِ).

